

### متن پرسش

سلام استاد: چند وقتی است درگیر افکاری شده‌ام که در تفکر فلسفی و از عمق جانم، هرگز احتمال صحت آنها را هم نمی‌داده‌ام. (یکی از عوامل عدم ورود احتمال، انس با کتاب‌های حضرت‌عالی بود.) از علل تحقق این بحران جدید، آشنایی با دنیا و افرادی بود که در عین قدرتمندبودن، ناامید نبودن و فعال بودن، چنین تفکراتی هم داشتند. در صورتی که نقد این افکار را بسیار در کتب سنت‌گرایان مطالعه کرده‌بودم. به نظر خودم، چون اولین برخوردهایم با این عوالم مادی‌گرا و انسان‌مدارانه بود، فهمیدم که بسیار با تصویری که از آنها داشتم متفاوت بود. استاد بین این دو عالم گیر کردم. استاد شما راهنمایی دارید؟ فرض خود بنده این است که می‌تواند برای شناخت بهتر این عالم پذیرای موقت این افکار در درون خود باشم. به راهنمایی‌های مستدل و متنبهانه شما بسیار نیاز مندم. با سپاس فراوان

### متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: همان‌طور که در جواب سؤال شماره‌ی ۲۶۱۸۲ و در بحث «جامعیت توحید و ظهور یوم الفصل» که در این هفته در جلسه‌ی «سُها» عرض شد، باید جهانی بود ولی با هویت فطرت الهی. عقلی که جهانی می‌اندیشد، ارزشمند است. مشکل وقتی است که از «احسن التَّقویم» خود به جهت ردّ به سوی «اسفل السافلین» غافل بمانیم. ولی اگر در عین آن‌که ما در «اسفل السافلین» قرار داده شده‌ایم عهد خود را با «احسن التَّقویم» پایدار بداریم، انسانی می‌شویم فرا انسانِ دیروز، و فرا انسانِ غربزده؛ و این قصه‌ی انسان اصیل این دوران است. موفق باشید